

از گیتار تا قانون

ژولین جلال‌الدین ویس، که از مابری موسیقی و بدی فرانسوی در پاریس به دنیا آمد، گیتار کلاسیک آموخته است. در ۱۹۷۷ به نواختن قانون پرداخت و در ۱۹۸۴ گروه الکتریکی را تشکیل داد که به اجرای آهنگهای غربی در بسیاری از کشورهای جهان پرداخته است.



سیر هنری خارق العاده ژولین جلال‌الدین ویس

باشکوه، خالص و تأثیرگذار و سرشار از مغایب پنهانی مشهور است که یگوانی هارمونی را می‌سوزاند و بی‌رنگ می‌کند.

من این موسیقی غربی را به طور اتفاقی، به هنگامی که به یکی از صفحه‌های ملبس بستم، یکی از استادان بزرگ قانون، گوش می‌دادم، کشف کردم. بیشتر با تفهیم، یکی از فرمهای بداهه‌سازی غربی - ترکیبی آشنا بودم. ولی قانون برایم الهام بخش بود.

تا شش سال بعد هم گیتار تمرین می‌کردم و هم قانون. سپس در ۱۹۸۴، خواننده تونس هدی گوللا از من دعوت کرد در نخستین بخش نمایش در جشنواره کازان، در برابر ۷۰۰۰ نفر جمعیت، بتوازیم. جمعیت اعتنایی به گیتار نوازم نکرد. ولی هنگامی که قانون می‌نواختم استقبال پر شوروی نشان داد. از آن پس فهمیدم که خودم را وقف قانون خواهم کرد.

از آن هنگام به بعد کارمدوم و جبهه

هنگامی که دوران نوجوانی را می‌گذراندم فراگیری گیتار کلاسیک را آغاز کردم. پس‌پسینها ویسولونیتها تمایل دارند این ساز را یک نوع ساز حاشیه‌ای به شمار آورند، زیرا که صدای آشنای آن بیشتر برای تک نوازی مناسب است تا برای هم نوازی. قطعات نوشته شده برای آن فوق‌العاده التفاطی هستند، ولی غلبه موسیقی محلی اسپانیولی باعث شد که از همان آغاز در کارم با انواع موسیقی التفاطی که تأثیر خالص دارند آشنا شوم.

در طی اقامت طولانی در کراچی دربارۀ هارمونیهای جاز و آهنگهای برزیلی و آفریقایی - کوبایی مطالعه کردم. این باعث شد که از چارچوب محدود قطعات نوشته شده تحصیلات کلاسیک خود رها شوم و امکان پدید آمدن قواعدی هارمونیک بداهه‌سازی کند که با وجود پیچیدگی دست و پاگیر نبودند. احساس می‌کردم که از سر زنجیرهای سنگینی که مرا به تمرینهای تکراری بیگانه با جوسهر موسیقی بسته و جایی برای احساس یا تخلیل باقی نگذاشته خلاص می‌شوم.

بیشتر فکر می‌کردم که فرمهای زنده موسیقی، چه موسیقی عوام و چه موسیقی کلاسیک دارای قدرت بیان و نیروی حیات‌آلود به استوابع دیگر بداهه‌سازی ملاحظه‌شده و همچنانکه بیشتر می‌رفت آهنگهای عرفانی تصنیف می‌کردم که با تانفاز اصوات راوتی و رنگهای آفریقایی - کوبایی، برزیلی و هندی ترکیب می‌شد.

به زودی دریافتم که آفرینش یک سبک آهنگی و ملودیک به موسیقی جاز منحصر نمی‌شود، بلکه شامله سنتهای چون موسیقی کلاسیک عرب و اسلامی است، که از لحاظ ساختار هارمونیک کمبود ندارد و علاوه بر آن به داشتن یک آهنگ بکه اغت احضار و

و چالویی که در موسیقی عراقی است؛ زرقای صوفیانه و شور موسیقی ترکی؛ و ابعاد چندگانه موسیقی اندلسی آفریقایی شمالی.

مصنفات من از تمام این فرمهای موسیقی گوناگون باوردار شده است. نفوذ موسیقی غربی نیز در آن هست، گرچه این روزها میزان آن اندک شده است. یکی از آهنگهای التفاطی را که من بیش از همه به آن علاقه‌مندم، می‌توان در وصل بسفندی شنید. این آهنگ قطعه‌ای است برای قانون که در آن آثار موسیقی ایرانی در موسیقی عراقی را گنجانده‌ام و اشاراتی از عبارتهای کردی و مقیاسهای پنج‌نغمه‌ای شمالی را به آن افزوده‌ام.

با این حال آثار چند صدایی نیز تصنیف کرده‌ام که ملهم از رومانسیسم معتدل اروپا ساخته شده است و گاه نیز قلمت نوازندگی در گسترده‌ایهای سنت‌شکناة مختلط تصنیف شده است. یا ارکستر سمفونی پاریس و گروه کر رادیو فرانسه برای موسیقی متن فیلم، قانون نواخته‌ام؛ یا خوانندگان عرب - فرانسوی را که قانون نواخته‌ام؛ و نیز در اجرای موسیقی متوسط گیمود و شمو و آدام دو لالال شرکت کرده‌ام.

ولی خدای تعالی‌ترین تجربه‌ای که به عرم داشته‌ام شرکت در اجرای یکی از آثار آهنگساز معاصر فرانسوی بایر بوده با ارکستری که منحصر از سازهای سنتی تشکیل شده بود - ترومپت تیبی، نی ترکی، شهبازی، تارسی، کوری زانسی، سینار هندی، گاسلان، بالی، بارانچوب سومیان استرالیایی، تاقوس اویساری یکن، ضرب ایرانی و طبل هندی. برای کسی مثل من، که در پی همه‌ای انواع نواخته‌های موسیقایی است، این تجربه بی‌مانندی بود.